



جلسه ۱۱۸

دوره هشتم تقنینیه

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

۲۰ آذر ماه ۱۳۱۱ - ۱۱ شعبان ۱۳۰۱

قیمت اشتراك سالانه داخله ۱۰۰۰ ریال
 خارجه ۱۲۰۰ ریال
 نك شماره: يك تریال

۵۱۱۱۱۱

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پانزدهم آذر ماه ۱۳۱۱ هـ (۱۱ شهبان ۱۳۵۱)

نهرست مذاکرات

- ۱) اعلام وصول تذکرات راجع به آباء اعتبار نطق جنوب
 ۲) تصویب صورت مجلس
 ۳) تصویب اعتبار تاقوت آیت جنس فتون
 ۴) شور غیر کبیرون قوانین عدلیه راجع به مدیرین بانک
 ۵) اقتراح برای عرفانی بنامیت عید سید مولود حضرت حجه
 ۶) موافق دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس سه و پنج ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس پانزدهم آذر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

دلیس - آقای طباطبائی دبیا
طباطبائی دبیا - در صورت جلسه آقای طباطبائی وکیل را بی اجازه نوشته بودند اولاً ایشان تفریضند و ثانیاً آنچه بنده اطلاع دارم چهل روز که مرخصی دارند میخواهند از مرخصی شان هم استفاده کرده باشند با اداره مباشرت هم اطلاع داده اند این است که عرض کردم که صورت مجلس اصلاح شود.

دلیس - آقای روسی
روسی - قبل از دستور
دلیس - آقای دهستانی
دهستانی - چون در صورت مجلس بنده و آقای محیط را بی اجازه نوشته بودند خواستم تذکراً عرض کنم که ما استعفا داده بودیم.

این مذاکرات مشروح یکصد و هجدهمین جلسه از دوره هفتم تقویمیه (مطابق قانون ۱۳۰۰) آذر ماه ۱۳۰۰ در دفتر تند نویسی و تمبر صورت مجلس

*** اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین با اجازه - آقایان: آقبانی - باستانی - حبیبی - اعتبار - موفق - باطنی - آقاخان - سیزداری - حاج ملاعلیخان - غائبین بی اجازه - آقایان: زینودانش - زهری - حاج محمد رضا بهجانی - دکتر امیراطم - قزوینی - صادق خان آقبر مرتضی قلیخان یات - طباطبائی وکیل - دکتر شیخ - مدوری - منضم سبک - دکتر سبک - عبدالعزیز خان دبیا - یان ماکو هرامز - مزهدی - امیر عامری - دهستانی - فراگوزلو - غریب زاده - حبیبعلی خان تواب - قوام در آمدکنان بی اجازه - آقایان: حاج میرزا حبیب الله غیبی - اسی

رئیس - عده برای تصویب صورت مجلس عیال کافی نیست و آقای روسی هم اجازه خوانسته اند لهذا تصویب صورت مجلس را میگذاریم بعد از بیانات ایشان که عده کافی میشود (نمایندهان - صحیح است)

[۱- اعلام وصول تلگرافات راجع بانفای امتیاز لفظ جنوب]
رئیس - دو مسئله است که ضرور بود به استحضار خاطر آقایان برسانم: بدو کمیسیون عرایض و مرخصی واپرسی تهیه کرده است و برابریت خودش تلگرافات زیادی ضمیمه نموده و خوانسته است که با استحضار خاطر محترم آقایان و مجلس شورای ملی برسانم

بنده از خواندن نامه تلگرافات آقایان را معاف میدارم ولی مفاداً عرض میکنم که بر اثر انفای امتیاز ثبت داری از تمام ولایات از همه جا اظهار تشکر و قدردانی بعمل آمده است (صحیح است) مطلب دومی که میخواستم با استحضار خاطر آقایان برسانم این است که در مرخصی آقای دکتر شیخ از ۲۲ آن کتابت شده است در صورتیکه منظور از دو آن بیان بوده است در حال همان بیست و روزی است که اجازه خوانسته اند اگر اجازه میفرمائید تصحیح شود (صحیح است) آقای آفسر فرمایشی دارید؟

آفسر - البته نظر آقایان نمایندگان معلوف باین قضیه هست و هر کسی هم از ولایت خودش اطلاع دارد و تلگرافات و احسانات عمومی را دیده است و میدانم و در هر جا که تلگراف افشانه و پستخانه داشته است تلگراف و مکتوب رسیده است ولی این تلگرافاتی که به مجلس شورای ملی رسیده است و خواندن امثال آن در مجلس سابقه هم داشته است بنده عرض میکنم هدف نظریه آقای رئیس فرمودند میشود نامش را خواند چون همه از مفاد آن اطلاع دارند ولی بنده بقیه ام برد که اسم ولایاتی را که تلگراف کرده اند لافلاقی باید برد است که قسمت امروز خوانده شود یک قسمت دیگر بعد.

کارورلی - از تمام ولایات آنرا فرا و فسیات هم چنین گرفته اند شادمانی کرده اند باید هم فدرانی کرد
رئیس - آقای طباطبائی دنیا

طباطبائی دنیا - ظاهراً بعضی از آقایان در کمیسیون باشند و هنوز اکثریت ندرت است بنده عقیده ام این است که یک نفس تنفس داده شود

رئیس - هیئتطور که فرمودید بقدر یک ربع تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و بفاصله نسیاست مجدداً تشکیل کردید)
[۲- تصویب صورت مجلس]

رئیس - عده کافی است آقایان در صورت مجلس نظری ندارند؟ (گفتند - خیر) صورت مجلس تصویب شد.
[۳- تصویب اعتبار تفاوت قیمت جنس محتاج الیه قشون]

رئیس - لایحه دولت مربوط به قیمت جنسی که محتاج الیه قشون مرکز است قرائت میشود تقاضای فوریت شده بود.

ساحت محترم مجلس شورای ملی بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است در هذالسنه قیمت جنس ترمی نموده و از این جهت اعتباراتی که برای خرید جنس در بودجه وزارت جنگ منظور شده برای تهیه اجناس احتیاجی قشون کافی نیست لذا برای چبران تقاضا اشتراک مزبور ماده واحده ذیل بپسند فوریت پیشنهاد و درخواست تصویب آن میشود:

ماده واحده - وزارت مایه مجاز است تقاضای را که در قیمت جنس محتاج الیه قشون مرکز تا رأی غرض منتهی ۱۳۱۲ از لحاظ تفرقی قیمت جنس حاصل شده و میشود در حدود مبلغ یک میلیون و نهمصد و شصت هزار ریال از محل ذخیره ریالی تلکلی در ذروه وزارت جنگ بپردازد و بعداً از صرفه چوئی های سال جاری این مبلغ را بپذیره مددکنی برگرداند.

رئیس - فوریت مطرح است. مخانی نیست (خیر) آقایانیکه با فوریت لایحه موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحده مطرح است آقایون
وفوقی - عرضی ندارم
رئیس - مخانی ندارد (خیر) موافقتن ورقه سفید خراشد داد

(اختیاراً) ورقه سفید بمل آمده ۶۹ ورقه سفید نصداد شد)
رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۷۷ نفری اکثریت ۶۹ رأی تصویب شد.
[۴- شور خیر کمیسیون قوانین عدلیه راجع بمدیوینین بانک]

رئیس - خیر از کمیسیون عدلیه راجع بمدیوینین بانک ملی ایران خوانده میشود.
غیر کمیسیون

لایحه رقم ۲۵۹۰۹ دولت راجع بمدیوینین بانک ایران با حضور آقای وزیر عدلیه در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح و تحت شور قرار گرفته با اصلاحاتی که آقای وزیر عدلیه پیشنهاد نمودند کمیسیون با مواد ذیل موافقت نمود: اینک خیرآرا برای مطالعه و تصویب آقایان نمایندگان محترم تقدیم میدارم:

ماده اول - بمدیوینین بانک ایران و قائم مقام آنها که راجع بفرع وجوه بدهی قراردادی با بانک استقراسی سابق داشته اند بتقاضای بانک ایران باید مطابق قرارداد مزبور فرع مقرر را از تعطیل بانک استقراسی به بانک ایران بپردازند.

مدیوینین بانک ایران و قائم مقام آنها که با بانک استقراسی قرارداد خصوصی راجع بفرع نداشته اند بتقاضای بانک

[۴- اسامی راجی دهندگان - آقایان: دکتر طامری - امیر نیروز - نثار الاسلامی - مولوی - منضم سگ - دوانی - سید محمد عیبط - وهاب زاده - طباطبائی دنیا - محمد علیپروفا دولتمانی - عراقی - قنصلیهان تقییار - محمد تقیخان اسفند - حبیبی - نفیسی - دهنستانی - لاریجانی - روسی - مسعودی - سیدقاسمی خان شرواب - دکتر سیدی - دادور - مقدم - حلقی میرزا دولتمانی - فرشی - حاج میرزا سلفخان استغذاری - آقا نوری - تربیت - مقدم جهانمائی - امیر صاری - ارومغان خان پیر نیا - دکتر امته - دکتر ملک زاده - کلروونی - سیدکامپ - دکتر قنایان - میرزا محمد حسین تواب - محمدشاهی - دکتر شهابی - آفسر - امیر حسینخان بختیار - دستانلی کرمانی - قنصلیهان انطون زنگه - امیر ایرانی - فرارگولو - مسعود تاقی - میرزا آقا میرزا - طلسی خان - میرزا اسدالله قنده - حبیبی - میرابیان ساگیان - قنوس - وریزی - اسدی - بنز - اورنگ - مهدوی - منضدی - کاشی - دبیر سهرابی - مؤید احمدی - فرماند - امیر دولتمانی - لیلوانی - تهری - اقمسی - بهمانی - ارگانی - میرزا محمد علی طباطبائی .

قیمت پرداخت فرغ و انبساط شخصی ندارم بنده اصلاً در کیفیت معامله که دولت با افراد دارد میخواهم عرضی بکنم و همین جهت در کلیات اجازه خواستم عرض میکنم مردم غالباً خیال میکنند که دولت يك شخصی است یا يك موجودی است که بکلی از آنها مجزی است و پولی هم که گریزی می آید مثل این است که گنجی گریز آمده و باید از او بربایند مثلاً میگویند که فلانکس مستحق شهره است آدم بیچاره ایست چه عیبی دارد که دولت باو يك چیزی بدهد در صورتیکه اگر درست در نظر بگیرد دولت يك فرد بخصوص نیست و این پولی که جمع میشود پولی است که مردم و ملت داده اند برای حوائج خودشان اینطور حدس نزنند من خیال میکنم که این تصور از طرف مردم نیست و تصور از طرف دولت است برای اینکه دولت عمناً همین حال را نسبت ب مردم دارد دولت در معاملاتی که با مردم میکند ابتدا اسانف و عدالت و تساری را منظور نمیکند مثلاً ملاحظه بفرمایید الان در این جا در خصوص فرغ يك لایحه آورده اند که اگر قرار دادی بایانگ داشت فرغ را ندهد و اگر نداشت فرغ را بدهد ولی دولت هیچ در نظر نگرفته است که اگر کسی از دولت طلب داشت تکلیفش چیست . اگر ما بخوایم کاملاً در قسمت اقتصادیات پیش برویم و اقتصادیات مملکت را روبرو بگردیم دولت در مقابل مردم مثل فرد باشد مطابق قانون اساسی هم همینطور است در عدلیه باید فرد باشد و بنظر بنده یکی از علل عدم پیشرفت اقتصاد مملکت ایران همین است طرز معاملات و دادوستدی است که دولت با مردم دارد . آقایانیکه خالصه انتقالی داشته اند باخالصه خریده اند دچار این جور اشکالات زیاد هستند فعلاً ملاحظه بفرمایید دولت میورد (مامور مالیه) یقه يك صاحب ملکی را میکرد و ادعا میکند میگوید این خالصه است و سند میخواهد در صورتیکه سابقاً ثبت اسنادی در کار نبوده است ولی صرف داشته است و تصرف کاملاً لایزال مالکیت او است دیگر چه سندی ارائه بدهد و دولت باین مسئله هیچ اهمیت نمیدهد

بالاخره مامورین مالیه و دولت اسباب زحمت مردم را فراهم میکنند و بجائی میرسد که ممکن است کاهی ملکشان از بین برود مسئله دیگری را که میخواهم خدمتتان عرض کنم مسئله مالک و مالیه است . بنده در این باب نظر عرض میکنم يك شخصی دربراز جان که مرکز دقت است يك تکه زمین داشت و مالیه میخواست اینجا بنائی کند برای اداره مالیه آمد دوسه هزار فرغ زمین خریداری پولش را بیش نداد الان تقریباً پنج شش سال است که مالیه در اینجا ساختمان دارد و تا حال پول این شخص را ندهاد حالا اگر بنده بخوام تفصیل این فرمول هائی که مامورین مالیه راجع ب جریان امور اتخاذ کرده اند عرض کنم شاید دو ساعت وقت مجلس را بگیرد مثلاً اول گفتند که ما قیمت ملک را تخمیناً تعیین میکنیم باید بتوسیم بمالیه بوشهر مالیه بوشهر بنویسد بقاری مالیه فارس بنویسد بمرکز ملاحظه بفرمایید در آنجا قیمت زمینش معین است باید مطابق تراشی ارزش بخرند و برود بی کارش يك مدتی زحمت و کدنگش است بعد که حیث گفتنییه وقتیه بودند گفته بودند که شما هم قیمتش را معین کنید در صورتیکه هزار تومان یا دو هزار تومان بیشتر قیمتش نیست بعد هم آن مقنن مامور مالیه اصلاً گفت که این خالصه است بنده این مقنن را دیدم که شما بچه مناسبت میگوئید این خالصه است گفت اگر نیست آنها بروند سندشان را بیسارود بدهند . ملاحظه بفرمایید که این اصل در کار است با این امر مردم بکلی محروم میشوند . باز بنده در این لایحه موقر و امانتت میشمارم که بدون تذکر بدهم و متاسفانه است که درک نماینده دولت در مجلس ندادند و این این است که فرغ در معاملاتی که با مردم دارد نیاید خودش را فرق بگذارد و نیاید از آلت انورته Autorité که دارد سوء استفاده کند در معاملاتی که با مردم دارد باید حکم فرد را پیدا کند و نیاید از آن قنوت و نفوذ و حکومت خودش بهیچوجه استفاده بکند و خصوصاً در موضوع بانک

ایران بکلی بر خلاف این رفتار کرده اند دولت هر که از بانک طلبکار است میگوید عجله آید و مسکوت باشد ولی هر کس بده کار است فوراً میخواهد وصول کند و همین مسئله يك پای و دو هوا است و این از دولت تبعیت است دولت که مرکز قنوت و مرکز حکومت است تبعیت است يك همچو کاری را بکنند . (صحیح است)

رئیس - آقای موبد احمدی

آقای احمدی - فرمایشات آقای دقن دو قسمت بود یکقسمت راجع بمشایعات بود و اقداماتی که دولت و مامورین وزارت مالیه با مردم میکنند آن چون از موضوع این لایحه خارج است بنده دفاعی نمیتکم بلکه عقیدام این است همانطوریکه فرمودند از این بالا فرم رفتار شده است اما در قسمت بانک دولت نمیکرد اشخاصیکه از بانک طلبکارند من قیمتهم این حرف را نمیزند این لایحه که آمد یکسویون مدلیه ما هم همین اعتراض را کردم (آقایان تشریف داشتند) که باید حق مردم را بپردازند بقی هر کسی بیانگ بدهی داشته است بگیرند و هر کسی هم طلبکار بود است باید بپش بدهند نماینده دولت در کمیسیون متکر این حرف نبود میگفت ما هر وقت طلبیات بانک را از اشخاص وصول کردم باشخاص هم که بدهی داریم میپردازیم و اینکه در این قانون گذاریم بواسطه سلامت است و اگر چنانچه در اینجا بگذاریم اینطور میشود که فردا آهائی که تصویب شده است اشخاصیکه طلبکار هستند پولشان را باید بپردازند از دووجه مالکیتی که نسبتود پرداخت باید از عایدات بانک پرداخت پس ما اول باید عایداتی وصول کنیم بعد بدهی را قروض دولت را هم بپردازیم و گذشتن این لایحه برای دو موضوع است : وقتی که یکسویون آوردند گفتیم که لازم نیست و قانون مخصوصی ندیخواهد دولت هم مثل مردم سایر مردم که طلبکار هستند چکار میکنند . لیکن موضوعی را که فرمودند این بود که يك ارفاقی است که میخواهند طلبکاران بکنند بقی کسانیکه بدهی دارند بیانگ از زمان

تعیین و حاضر میشوند بپردازند دیگر فرغ از شان بگیرند در واقع این ارفاق است و مطابق آن این قانون آورده اند که اشخاصیکه تا بر هزارو سیصدو دوازده حاضر شوند که بدهی خودشان را بپردازند بیانگ از تأخیر فرغ معافند غرض این بوده است که ارفاقی در این کار بشود مردم بتوقیث شوند که بروند بدهی خودشان را تأخیر نکنند .

رئیس - آقای وثوق

آقای سید مرتضی وثوق - این لایحه بقبیده شده چندین قسمت توافقی دارد يك قسمت مهمش را آقای دقن مفضلاً فرمودند و توافقی بسیاری در این لایحه هست زیرا اشخاصیکه مدیون بانک هستند برای آنها تکلیفی معین کرده اند که تاچه تاریخ باچه فرعی باید بپردازند ولی برای کسانی که طلبکار از بانک هستند هیچ تکلیفی معین نشده است بلکه باید در این لایحه همین تکلیفی که از برای مدیونین معلوم شده برای کسانیکه طلبکار هستند هم معین شود عرض میکنم يك ایران در این اواخر وضایعتش طود خوبی نبود که امروز بشود از توی آن دفتر و سورت حساب های که استخراج شده است و امروز در دست دولت است بزوان اشخاص را مطابق آن سورت مدیون سقیی دانست زیرا خیلی اشخاص بودند که بیانگ مدیون بودند و چون نتوان تزل کرده بود بعضی ها رفتند مات خریدند بانک دادند طلب های گزافی هم بود بعضی ها هم چون در این اواخر چون يك دفتر و سندوق مسجعی گذاشت شاید بعضی ها هم رفتند و حساب های هم داشتند با يك بعضی ها از سندوق چکار گفتند ولی اصل آن حساب در دفاتر بانک هست . مقصود بنده این است که اصولاً حساب سورت استخراج دفاتر بانک يك سورتی نیست که امروز بشود به آن اعتماد کرد و گفت مطابق این سورت بده کار است بلکه بنده خیال میکردم که دولت اول يك کمیسیونی برای این کار تشکیل میداد و يك سورتها را از دفاتر خرج می کرد و دفاتر طلب و دفاتر سندوق بانک اعلاناً در جراب میکرد اشخاصی که محاسب داشتند با بانک سورت حساب و قیوض در دستشان هست در يك وقت معینی

میرتند در آن کسب و و جاهها صحیحاً روشن میشد معلوم می شد که پدھی ماطلب بانک با اشخاص اساساً چند است و آتوق يك قانونی نوشته می شد زیرا الان يك سورتانی در دست بانك است بانك ملعی كه قائم مقام بانك استراشی است يك اظهارنامه روی ریز دفاتر میدهد و دهان سورت شاید يك كسی يك قبض بانك سورت حسابی چیزی در دست داشته باشد موجب این ماده رسیدگی آن خیلی سخت است زیرا از نارویی كه با بانك يك حساب جاری داشته است باید فرغ معمولی را بدهد از آن تاریخ تاثير ماه نوده است باید صدی دوازده بدهد این ماده سریع است می تواند محكوم میشود و ترتیب این قبیل محاکمات هر دو را نوشته است چه در محاکمات عدلیه چه در محاکم ماله هیچ ملوینست این مخصوص ماله است رسیدگی باین کار با مخصوص محاکمات عدله است هر دو را فید کردن كه خوب نیست آخر چه اشخاص باید بیرون بماند وجه اشخاص به محاکمات عدلیه این راهم باید دادین جا فید کنند. بده عقیدام این است كه اگر اجازه فرمائید این لایحه بر كرد باید بیرون عدلیه چون در كسیبون همان روزی كه شروع از كسیبون کردند هر دو ولی در كسیبون و غاب اعتقاد كسیبون کردند هر دو ولی در كسیبون صحیحاً مذاكره نشد و حل نشد و پایشی در كسیبون صحیحاً حل نبود مذاكره بشود كه هم بدست تكلیف مردم معلوم بشود وهم معلوم و روشن شود اوتواع و وضعیات بانك كه بچه حث وجه شكل مطالباتش را میخواهد وصول كند و اشخاص و كسانكه طلبكارند از بانك باید يك فرمولی هم برای آنها اتخاذ كرد و آورد به مجلس و وقتی كه مجلس شورای ملی رای میدهد هم از برای طلبكاران وهم برای مدیونین بانك يك تكلیف صحیحی اتخاذ شود كه اسباب زحمت نشود برای هیچكس.

رئیس - آقای امیر - مخالفید ؟
معهده هاشم میرزا امیر - حقیقه این لایحه چون كمال اهمیت را دارد هم قابل مخالفت است از جانبی و هم قابل موافقت است. و بده بطور اشاره چند كلمه در

رئیس - آقای روحی
روحی - عرض ندارم
رئیس - آقای اورنگ
اورنگ - خیل چای تأسف است كه امروز این

لایحه وقتی بدست ما رسید است كه از طرف دولت كس لیست نایبند لیست تا ما اگر يك توضیحی طلب كنیم نفاضا كنیم جواب بدهند تا اگر اشتباهانی و اشكالاتی كه فرض می كنیم در این لایحه هست رفع بشود. از چند جهت بنده نسبت باین لایحه نمی توانم موافق باشم قسمی از نظریان

بده را آقای مدتی بطور مبسوط و مفصل بیان کردند. زیننده شأن حكومت ما این است كه در تمام تقاضای يك رويه مبتدلی انفاذ شود كه روی آن رويه هم مثنی حكومت علاوه بنظر برسد هم مثنی خلق با او. ما غالباً جهت افراط و تفریط قضایا در نظر میگیریم. يك وقت فكر ما بآینده میرسد كه افراد میل دارند كه در معاملات و قضایا بنا بر اصطلاح نسبت بحكومت بخلق مثلثاتی کرده باشند و يك متناهی اخذ کرده باشند این جهت تفریط قضیه است. يك وقت بعكس عوض اینکه حكومت در مورد آنها خودش را حفظ کرده باشد و منافع خودش را محفوظ بدارد يك قدری دشمنی میکند. هم آن معنی باعتماد بده خارج از رويه است و هم این مسئله خارج از متعارف است. حدود وسط این افراط و تفریط بانك حد اعتدالی است بهترین حكومتها حكومتی است كه تكذاب در خلق بر او بانك زیاده روی کرده باشند و همینطور خودش هم زیاد روی زیاد باشد و يك رويه اعتدالی باشد از جانبی و روی يك جزو حقیرانی باشد. البته حضرت مؤید احمدی فرمودند نسبت بدالین بانك بهل هیچكس مخالف و منكر نیست یعنی علناً نمیکويد كه من دین خود را ندهم اما وقتی كه عملاً نداد چه میشود كرد ؟ خوب لازم نیست كه علناً بگوید ندهم. انسان وقتی است هم تعارف می كند هم همیشه كم میگوید و هم بول خلقه را ندهد ولی اگر يك كلمه هم بپوراست و حسینی بگوید بایا میدهم و برو بانك نگوی معنی میشود آن مقدمه كه آقای مؤید احمدی فرمودند بده می خواهم عرض كنم كه از روزی كه بانك دست زد بر كفتن طلب خودش تا بامروز دو تومان هم وصول نكرده كه بترده قران بدهدش بدهد ؟ بله ؟ كدامی كنم خاطر آقایان مبسوط است كه با بحال يك قدری وصول شده است ولی بدالین چیزی مرحمت فتمده است هر وقت هم گفته شده است البته همین جوابها داده شد است بده عرض این است كه باید حكومت مراقب باشد كه از طرفی مدیون است از طرفی دائن حد اعتدال امر این است كه باید

كسیكه طلبكار است بایشی فرع و تشریفات طلب او داده شود و با همین فرع و تشریفات هم از مدیون گرفته شود این عرض اول است. مطلب دوم این است كه این مواد را كه من می بینم خیال میکنم (البته آقایان ملاحظه می فرمائید) بنظر بده ماده دوم و سوم موجب ندارد كه كاندنشتن بجهت بانك ماده دوم عین ماده اول است و ماده سوم هم عین ماده دوم و اول است و سبب اینكه در اول میگوید افرادی كه مدیونند یا اقارب دارند بمانند با بانك اگر دارند كه از اینها تا تاریخ تا تطویل بانك برای معمول بانك فرع گرفته میشود و اگر ندارند كه طور دیگر آتوق ماده دوم و سوم چه موضوعی دارد. (دنتی - اصلاً لایحه موضوع ندارد) ای والله يك مرض دیگرم این است كه اخیراً از طرف وزارت مالبه آقایان هم بقین دارم از بنده بجز اطلاع دارند بنده خودم دكان ندارم آقایان شاید داشته باشند یا رفقای شان داشته باشند و آنها اطلاع داشته باشند فرقی نمی كند اول ملكت دارند در دو توی طهران من اطلاع دارم كمك بیش از بیست هزار متعادل ایدست مردم داده شده كمك بیاید دكا كنی كه در فلانجا داريد متالش را از دولت بخريد آخر این را يك قدری آرام آرام صحبت كنیم به بینیم چه از توبوش برمی آید مثال آخر بقی چه بنده كه هر چه كنتم پیدا نكردم متغای این لغت را كه بستی چه (كلزونی - یعنی بده و ناله نكن) (خندم نمایندگان - احسنت - احسنت) صحیح است حقیقه خوبتر خوب بگویم توی رساله بویستند این لغات مجهول را در مقابلش منابش را بویستیم مثلاً الاول - المتعادل یعنی بده و ناله مكن واقعا انسان بدهد وقتی می خواهد يك لغت را بدهد یعنی چه مراجعه كند بانقدر حالا لازم نكرده حتماً كه همه معانی داشته باشد. حالا مثال چه چیز است میگوید این دكان را جد اعلامی فلان ساخته است و او فروخته است بفلان او بفلان بشار يك مقدمه ای حالا من مالكش هستم دكانی است ملكش است هائس است. مالبه میگوید اگر

در قبالة نام نوشته است دکان اربابی اگر همچو چیزی نوشته شده است آقای دختی این را من باب مثال عرض میکنم می خواهم مطلب ناچیز بنود فرق بی کند خود بنده دکان را خریدم ام از آقای قبالة هم تنظیم شده است در لایح منبصر شرح اینجا نوشته است که فروخت آقای دکتر سنک ششماک باک بجان واقع در میدان محمدیه و با شیخ الملائک اورنگ مبلغ فلان . حالا اگر نوشته شده است دکان اربابی که باید حتماً این مثال را از من بخری اگر نوشته شده است اربابی که باید حتماً به ما کمک مالی بر روی بخری این منطبق را فکر کنید باک جوابی بمن بدهید که آن جواب را فرزای فریم بخدا بدهید آقا اگر باک همچو جوابی داده شود قصد بنده این است که مالک دکان میکوید آقا من سال های سال است صد و پنجاه سال صد سال است که این دکان را خریدم ام و آبادی قبل از من منصرف بوده اند بالاخره شماره قبضه و قانونی برای ثبت استاد از مجلس شورای ملی گذرانید که هر کسی با این تشریفات وقت در ثبت استاد و ثبت داد و کاش را خانه اتی و مسکنش را مأوایش را این ورقه جا لکیت که رنگش زرد است چاپش فلان است مهرش فلان است بدستش آمد این متولد شده است نمازه باک مالک مستقل بی حرفی است این صاحب دکان نسبت باین دکان این ملک که تو برایم معین کردی همینطور وقت سنک زرد لیلی کردم همه این کار ها را کردم تا حاجی شدم مالک شدم میکویند به باید قبالة ات را به من بنیم اگر لفظ مالک دارد باید بری محاکمات مالیه و اگر ندارد که الا ان محکمی این را بنیاید اینجا جلس کند آقایان در قضایا دقت کنید (دولت شاهی - اینطور نیست آقا) (جمعی از نمایندگان - همینطور است) حالا می رسیدم آقایان برسیم آقا قربان اگر اینطور نیست جواب بمن داده شود تمام این اعمال و تمام این متجددال مال ها که در این شهر منتشر است کرام عرض من است اگر یک کسی از طرف دولت در این جا بود و توضیحی میداد متجددال مال ها را فو میشد

و من ناسفم از این است که امروز نماینده از طرف دولت در این جا نیست حقیقه عرض کنم ما قاضی جان را طلب است مخالفت نیست ما و دولت که دو تا بیستم دولت باک لایحه را مصلحت میدانند باورده به مجلس شورای ملی ما هم مذاکرانی میکنیم در هر صورت آن نتیجه که مورانی مصلحت و مملکت است موافق مصلحت حکومت و اقتراست ان بکنند و الا غرض و مقصود که بقدم مخالفت و موافقت من نایست اسحق را گذاشت بنده عقیده ام این است که عیله نکنیم ما حاضریم دولت هم حاضر است صلاح مملکت آن نتیجه و مقصود است که هر یک از ما ها باید ناظر بآن باشیم . حالا اگر یک مقدمه آمد که ما غفیمیدم و کسی هم نبود که توضیح بدهد ما گفته ایم نداریم میکویتم بنانه باشد برای فلان روز که نماینده دولت هم نباید بنشیند برای ما توضیح بدهد موارد اگر اجمال دارد تفصیل کنند اگر شرح لازم دارد شرح بدهد قانع شوم . این طرز پیچیده است همه است از این پیچیدگی ها هم مطلب بدست نمی آید این است معنی مخالفت این است معنی موافقت ما نباید عجله کنیم برای هر کاری ما حاضریم هر روز هر ساعت اگر واقفان کار زیاد است هفته که هفت روز است پنج روزش را مجلس کنیم باک آیه هم از آسمان نازل نموده است که مجلس حتماً باید روز یکشنبه باشد بعد از این هم می آید . من شششنبه هم می آیم عقیده من این است که موافقت بفرمایند این لایحه را بگذاریم کنار باشد تا روزی که نمایندند دولت تشریف بیاروند ما هم شرفیاب شوم مذاکره کنیم بعد با سلام و صلوات رآی بدهیم (صحیح است - احسن) رئیس - آقای مؤید احمدی مؤید احمدی - بنده فرمایشات آقای اورنگ را تهنیه کرده ام موضوع است . اما موضوعیکه راجع بخالد جان و مثال فرمودند از موضوع این لایحه خارج است این است که باید آقای وزیر مالیه در مجلس تشریف داشته باشند و آقای اورنگ بیانهایش را بفرمایند و اینست جواب بدهند چون از موضوع لایحه خارج است بنده

عرض نمی کنم . اما دو قسمی که راجع باین لایحه بود بکنی این است که فرمودند اما صد دینار هم از مطالبات وصول نقد که به طلبکار ها بدهیم بنده خصوصاً خواهم میکنم از ایشان که چون سابقاً صورت و وزارت مالیه هم دارند تشریف بدهند به او ر باک تا این ساعت فریب چند صد هزار تومان از فروش باک پرداخته شده است و باک قرض دیگری ندارم چونکه بنده میزان دستم است تقریباً سیصد و خرده دیگر بده کار است اما مطالباتش تقریباً یازده میلیون است (اورنگ - ای مؤید) تو چه بفرمایند و اگر هم بخوانند فرع بندهی کنند که از این حساب بیرون بشود این است که دولت در نظر گرفت است که باین ترتیب اوراقی کند با مردم و حالا اگر دولت داشته باشند ممکن است با شخصی که داده اند بنده صورتش را بگیرم و بمرستان برسانم شاید خودتان هم بدانید باک صد هزار تومان است . اما قسمت دوم که فرمودند مواضع باهم فرق ندارد این را خواستم عرض کنم توجه بفرمایند این راجع به پیش از انحلال است بانک آخر بانک باک دوره عالی را سر کرده بکوفتی بوده است که بنده باک بدهی داشته باینکه با خود بانک باک قرار دای کرده مثلاً صدی شازده صدی ده پیش فرع بدهم آن را البته باید تا روز انحلال بانک نازد بیکه باک بر مسکو مرکزش هم خورده است و این باک تمیز شده است تا همان تاریخ مطابق قرار می گذاشت شده است بدهم این است که حضرت عالی مثلاً قبل از انحلال باک قرار دای فرمی با باک داشته اند یا باینکه استناد اگر داشته اند مطابق همان فراد داشته اند تمیز میکنم و اگر نداشته اند مطابق ترتیب عمومی باک بنی بپنید حسابهای سابق را و همچو تصفیه کرده اند هر طوری تصفیه کرده اند مطابق آن بگیرند نقد این بود و اما از تمیز باین طرف باز دو موضوع پیش آمده است باک موضوع این بوده که باک مرکزش هم خورده است لکن قویض بدولت ایران ندیم است که این را ما در کمیسیون عدلی هم صحبت کردیم که آن مدت را اهدا حق گرفتن فرغ ندادند برای اینکه

بجای نموده است برای پرداخت بنده هزار تومان فرض کنید که باک بدهی جانم صدی دوازده پول هم حاضر کردم کجا بدهم . بک آنکه باک در ۱۹۱۷ میلادی تقریباً تمیز شده است و بعد از سه چهار سال بدولت ایران قویض شده است آن سه چهار سال را هم باید کمیسیون صحبت کردیم که اصلاً حق گرفتن فرغ نداشت باشد اصم از اینکه قرارداد داشته باشد یا ندانته باشد چون باک نموده و از وقتی که قویض بدولت ایران شدیم این را باز دو قسمتیش کردیم این دامم از روزی که اظهارنامه بر علیه او از محکمه رفت باشد از روز اظهارنامه باید بعد و اگر چنانچه خودش آمد و روز داد آن دیگر نباید فرع بدهد نقد این بوده است مقصود این است که مواد این لایحه باهم فرق دارد در جواب حضرت عالی عرض میکنم قروض باک هم باک متقاضش پرداخت شده است . قسمت سومش هم باشد برای آقای وزیر مالیه در جواب فرمایشات حضرت عالی . رئیس - آقایان قیومی - دختی - فرشی پیشنهاد کرده اند که چون لایحه مدافعی از طرف دولت حاضر ندارد از دستور خارج شود و بماند برای جلسه آینده (جمعی از نمایندگان - صحیح است) که مدافعی داشته باشند وقت هم گذشت است . بنسبت تصادف چهار روز شنبه با عید سید مولود حضرت حجه و اقتراع میکنم برای شرفیابی (صحیح است) (اقتراع سید آمد و آقایان نماینده ایسای قبل من شد) قیومی - جمیدی - یونس آقا و صاحبزاده - اقبال فاطمی - حاج میرزا حسن خان استعدادی - سیدی محمد علی میرزا دولتشاهی - سید محمد مصطفی همدان - طهرانی

رئیس - اگر و اوقت بفرمایید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده یکشنبه ۲۷ آذر ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور همین لایحه و دیگر چه (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای عالی - دانگر

قانون

اجازة پرداخت تفاوت قیمت جنس نفون مرکز ۲ رأس خرمن ۱۳۱۲

ماده واحد - وزارت مالیه مجاز است قانونی را که در قیمت جنس محتاج الیه نفون مرکز تاراس خرمن
 ست ۱۳۱۲ از لحاظ ترقی قیمت جنس حاصل شده و می شود در حدود مبلغ پانز میلیون و نهصد و شصت هزار
 ریال (۱۹۶۰۰۰۰) از محل ذخیره ریالی مملکت در وجه وزارت جنگ پرداخت و بدهها از سرفه چوپهای سال
 جاری این مبلغ را ذخیره مملکتی برگرداند.

این قانون که مقبول بر یک ماده است در جلسه هشتم آذر ماه یک هزار و سیصد و پانزده شمسی تصویب مجلس
 شورای ملی رسید.
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر